

احزاب را باید با مواضع سیاسیشان ارزیابی کرد!

(در باره روش برخورد رهبری حزب کمونیست کارگری عراق به انشعاب اخیر از حزب کمونیست کارگری ایران)

محسن ابراهیمی

۲۷ اگوست ۲۰۰۴

رفقای عضو و کادر حزب کمونیست کارگری عراق

با درودهای صمیمانه

به عنوان عضوی از حزب کمونیست کارگری ایران، میخواهم نکاتی را در باره موضع رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال اختلافات درونی حزب کمونیست کارگری ایران و اعلام جدایی بخشی از کمیته مرکزی از این حزب با شما در میان بگذارم.

این اولین بار نیست که اختلافات سیاسی در یک حزب سیاسی منجر به انشعاب میشود. اما این اولین بار است که انشعاییون از یک حزب سیاسی تماما تلاش میکنند مبنای انشعابشان را نه با اختلافات سیاسی بلکه با "روش برخورد به این اختلافات" توضیح دهند. و باز هم این اولین بار است که نزدیکترین حزب سیاسی، در قبال حزب و مستعفیون از آن بدون کوچکترین اشاره به اصل اختلافات سیاسی موضع میگیرد.

اولین سؤال من اینست که آیا رهبری حزب عراق، در هیچ نقطه ای از تاریخ کمونیسم سراغ دارد که انشعاییون از یک حزب سیاسی، یک کلمه از اختلافات سیاسی که منجر به انشعاب شده است حرف نزنند؟ آیا برایشان عجیب نیست که مستعفیون کمیته مرکزی، نه در بیانیه استعفایشان و نه در اطلاعیه اعلام موجودیت حزب جدید حتی یک کلمه در باره اختلافات حاد سیاسی که دو سال تمام در جریان بوده حرف نزده اند؟ آیا عجیبتر نیست که رهبری حزب شما هم، در اطلاعیه حمایت از انشعاییون دقیقا پا در همان مسیر انشعاییون گذاشته و حتی یک کلمه به این اختلافات اشاره نکرده

اید؟

مطئنان برایتان روشن است که یکی از پایه های اساسی سنت منصور حکمت، صراحت در اعلام موضع سیاسی است. روشن است که وقتی منصور حکمت در اول دهه نود از حزب کمونیست ایران بیرون آمد و حزب کمونیست کارگری را تشکیل داد، انبوهی از ادبیات سیاسی در باره اختلافات سیاسی چه به صورت نوشته و چه به صورت شفاهی آنهم به صورت علنی بر جای گذاشته بود. جامعه از عمق این اختلافات مطلع بود و دقیقا به این خاطر حمایت و یا عدم حمایت هر حزب سیاسی از حزب منصور حکمت معنای سیاسی پیدا میکرد. در مورد انشعابیون وضع دقیقا برعکس است. نمیگویند این جدایی در ادامه کدام اختلافات سیاسی اتفاق افتاده است. موضع رهبری حزب عراق نسبت به انشعابیون هم دقیقا به همین صورت است. مصرانه چشم بر اختلافات سیاسی میبندد.

حزب کمونیست کارگری ایران پابرجاست و تماما به مصوبات کنگره هایش و به جهت گیریهای سیاسی تاکنونیش وفادار است. با اینحال عده ای از این حزب جدا شده اند. در چنین شرایطی این اولین و ساده ترین سؤال یک عضو و کادر هر دو حزب کمونیست کارگری ایران و عراق در مقابل انشعابیون است: آیا انشعابیون با مصوبات کنگره های حزبی اختلاف دارند؟ اگر ندارند چرا جدا شده اید؟ و اگر با این مصوبات اختلاف دارند این اختلاف چیست؟ و به نحوی اولی، وقتی رهبری حزب کمونیست کارگری عراق از انشعابیون حمایت میکند باز این ساده ترین سؤال عضو و کادر هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و ایران است که نظر رهبری حزب عراق در مورد این اختلافات چیست؟

پرچم حکمتیسم

میدانید که انشعابیون از حزبی جدا شده اند که ذره ای از جهت گیریهای بنیادی فکری و سیاسیش کوتاه نیامده است. حزبی که بر مبنای مصوبات کنگره های تاکنونیش کار میکند. حزبی که همچنان برای رسیدن به برنامه "یک دنیای بهتر" مبارزه میکند. رفقای از این حزب جدا شده اند و رهبری حزب عراق با این عجله و سرعت، اعلام حزب توسط انشعابیون را با "برافراشته نگاه داشتن پرچم حکمتیسم" عوضی گرفته است و کارگران و زنان و جوانان و همه مردم آزادیخواه ایران را دعوت کرده است به انشعابیون بپیوندند. رهبری حزب عراق لطفا به این کارگران و زنان و جوانان توضیح دهد که

نظرشان در باره تزه‌های راست کورش مدرسی که مورد بحث حاد در حزب بوده است چیست؟ رهبری حزب عراق لطفاً به این کارگران و زنان و جوانان بگوید که از انشعابیون بپرسند چرا از حزب کمونیست کارگری بیرون آمده‌اند؟ رهبری حزب عراق مطمئن باشد هر چقدر هم در قبال این اختلافات سکوت کند، کارگران و زنان و جوانان ایران و همچنین عراق، با مراجعه به اسناد سیاسی مباحثات درونی حزب پی خواهند برد که موضوع بر سر چه بوده است. پی خواهند برد که اگر هر کدام از تزه‌های مورد دفاع کورش مدرسی میتوانست خط و جهت گیری حزب ما را تحت تاثیر قرار دهد، حزب کمونیست کارگری ایران یگراست از کنار احزاب بورژوایی سر در می‌آورد. حکمتیسم، حزب موجودش در ایران را از دست میداد. مردم ایران قادر نمیشدند برای دوره ای پرچم برافراشته سرخ حکمتیسم را در صف مقابل پرچم‌های سه رنگ و سیاه و سبز ببینند. حزب کمونیست کارگری عراق نزدیکترین حزب سیاسی متعلق به کمونیسم کارگری را از دست میداد.

قبلاً در باره اختلافات سیاسی مفصل حرف زده ایم. در اینجا توجه اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق را خیلی مختصر به دو نمونه از این اختلافات جلب میکنم. وارد توضیح تفصیلی اختلاف نمیشوم با این فرض که رفقای مخاطب این نامه میتوانند اسناد و مباحث و مقالات مربوط به اختلافات را که امروز علنی شده است بخوانند.

یک وجه از اختلاف

محول کردن اعلام و اجرای برنامه کمونیستی به آینده ای دور قدمت طولانی دارد. عمرش به همان زمان مارکس بر میگردد. بیش از یک و نیم قرن است که انواع کمونیسم‌های بورژوایی با انواع تئوریهای بورژوایی تلاش کرده‌اند کارگران و کمونیست‌ها را دنبال نخود سیاه بفرستند: زود است، نیروهای مولده آماده نیستند، نوبت تاریخی کمونیسم فرا نرسیده است، مرحله انقلاب کمونیستی نیست، شرایط عینی آماده نیست، شرایط ذهنی آماده نیست، امکانات مادی جامعه این اجازه را نمیدهد، باید منتظر شد سایر کشورها هم برای انقلاب کمونیستی آماده شوند و ... اینها اشکال مختلف تئوریهای کلاسیک در باره محول کردن کمونیسم به آینده ای نامعلوم هستند. با کمال تعجب، در حزب ما همین تز زود بودن اعلام و اجرای برنامه کمونیستی البته با توجیه "تازه تری" توسط رفیق کورش مطرح شد: حتی اگر ما به قدرت برسیم اعلام و اجرای برنامه کمونیستی زود است چون مردم رم

میکنند. چون اعلام برنامه کمونیستی پایه اجتماعی حزب را میپاشد.

منصور حکمت زحمت زیادی کشید تا کمونیسم را از زیر آوار این کمونیسم بورژوازی بیرون بیاورد؛ کمونیسم را بر سر جای خود قرار دهد؛ مطلوبیت و امکانپذیری اعلام و اجرای فوری برنامه کمونیستی را در دستور قرار دهد. این حقیقت را در چپ ایران و عراق جا بیاندازد که کمونیستها به محض به قدرت رسیدن میتوانند و باید پیاده کردن برنامه کمونیستی را اعلام کنند و برای پیاده کردنش دست به کار شوند. این یکی از بنیادهای کمونیسم کارگری است. این یک وجه جدایی ناپذیر از جنبشی است که منصور حکمت در راسش بوده است. این یک پایه اصلی حکمتیسم است.

تزه‌های کورش مدرسی دقیقاً همین وجه پایه ای حکمتیسم را زیر سؤال برده است. به این معنا هم اضافه کردن حکمتیست به انتهای اسم حزب انشعابیون و هم تضمین از طرف رهبری حزب عراق که گویا انشعابیون چراغ امید حکمتیسم هستند بیشتر به شوخی میماند. یا رهبری حزب عراق این بحثها را دنبال نکرده اند که در اینصورت معلوم نیست چرا این چنین غیر مسئولانه موضع گرفته اند. یا این بحثها را خوانده اند و تمایز آنها با کمونیسم کارگری حکمت برایشان روشن نیست که در اینصورت معلوم نیست چرا باید اعضا و کادرهای حزب و کارگران و زنان و جوانان این موضع را جدی بگیرند. و یا خوانده اند و ته دل به این مباحث احساس سمپاتی میکنند که در اینصورت بهتر بود صریحاً از این تزه‌ها دفاع میکردند.

وجهی دیگر از اختلاف

علاوه بر این، در دو سال گذشته تزه‌های سیاسی رفیق کورش مورد جدل حاد بوده است. تزه‌هایی که عمیقاً با جهت گیری تاکتونی حزب مغایر بودند. تزه‌هایی که اوريجنالش در میان احزاب بورژوازی به فور یافت میشود. از جمله، باید توجهتان را به تزی جلب کرد که از امکان شرکت حزب کمونیست کارگری در دولت موقت احتمالی صحبت میکند که توسط جناح دوم خردادی جمهوری اسلامی و بعد از فروپاشی جناح راست جمهوری اسلامی تشکیل شده است.

اگر این تزه‌ها را به شرایط چند سال پیش در عراق ترجمه کنیم به این سناریو خواهیم رسید: زیر فشار

اعتراض مردم، حکومت بعث دچار شکاف شده است. بخشی از حکومت بعث طرفدار اصلاحات شده اند. در یک تلاطم انقلابی و در جریان بزیر کشیدن حکومت بعث توسط مردم، به طرز عجیبی بخش اصلاح طلب همان حکومت قادر شده است از زیر انقلاب مردم در برود و دولت موقتی مرکب از بخش اصلاح طلب حزب و حکومت بعث تشکیل دهد. تصور کنید در چنین شرایطی تزی سر در میاورد و بنام ادامه مبارزه از بالا، شرایط شرکت در چنین حکومتی را در مقابل حزب کمونیست کارگری عراق میگذاشت. اگر حزب عراق چنین تاکتیک سیاسی را در پیش می‌گرفت به زائده احزاب بورژایی عراق تبدیل نمیشد؟ آیا ادامه دهندگان خط منصور حکمت در عرصه سیاست در مقابل چنین تاکتیک سازشکارانه بورژایی نمی ایستادند؟ آیا اعلام نمی‌کردند که این وضعیت هنوز به معنای سرنگونی کامل حکومت بعث نیست و باید فراخوان داد که حزب و همه مردم برای سرنگونی کامل حکومت بعث مبارزه سیاسیشان را ادامه دهند؟ آیا شما یک ذره از افشای این موضع راست، مثلاً به نام و به خاطر وحدت حزب کمونیست کارگری عراق کوتاه میامدید؟

اگر صاحب آن تز بورژوایی در باره اعلام و اجرای فوری برنامه کمونیستی و این تاکتیک بورژوایی شرکت در دولت بازمانده از حکومت بعث، صف حزب کمونیست کارگری عراق را ترک می‌کرد، آیا انتظار نداشتید که رهبری حزب کمونیست کارگری ایران در این مباحث سیاسی تامل کند؟ رابطه اش را با حزب کمونیست کارگری عراق که بر سر مواضعش ایستاده است همچنان دوستانه حفظ کند. و رابطه اش با انشعابیون از حزب عراق را بر اساس مواضع رسمی و علنیشان تنظیم کند؟

این دقیقاً همان چیزی است که در حزب ما رخ داده است و با کمال تاسف، رهبری حزب کمونیست کارگری عراق به جای متمرکز شدن روی این اختلافات سیاسی، پا در همان مسیری گذاشته است که مورد علاقه انشعابیون است: مشغول کردن مردم با تقدم و تاخر و قانونی و غیر قانونی بودن پلنوم و کنگره و ... و چشم بر اختلافات سیاسی بستن.

دو حزب متعلق به یک جنبش

حزب کمونیست کارگری عراق و ایران، به خاطر تعلقشان به مبانی کمونیسم کارگری، به خاطر تعلقشان به جنبش کمونیسم کارگری همیشه مثل دو حزب یک جنبش در دو کشور مختلف عمل کرده اند. حزب

کمونیست کارگری سرجایش است و دارد بر همان مبانی فکری و سیاسی کمونیسم کارگری پیش می‌رود. اما صاحبان آن تزهایی سیاسی راست که مورد اختلاف حاد در حزب کمونیست کارگری ایران بود امروز در میان و در راس آنهایی هستند که جدا شده اند. رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، به بیسابقه ترین شکلی و با عجله تمام کنار حزب انشعابیون پرید و مردم را فرا خواند به انشعابیون بپیوندند! به جای این تعجیل غیر مسئولانه، رهبری حزب کمونیست کارگری عراق میتوانست مناسبات دوستانه سیاسی اش را با هر دو طرف نگه دارد و برای اظهار نظر سیاسی منتظر شود تا ببیند اختلافات حاد سیاسی این دوره چگونه خود را در حزب انشعابیون منعکس میکند؟ تزه‌های سیاسی راست مورد جدل این دوره چقدر در حزب انشعابیون سر بلند میکنند؟ چقدر به مواضع رسمیشان راه پیدا میکنند؟ و آنگاه رهبری حزب کمونیست کارگری عراق میتوانست بر اساس مواضع رسمی و علنی انشعابیون موضع خود را اعلام کند.

این اولین انتظار از احزاب سیاسی است که رابطه شان با احزاب سیاسی دیگر را بر مبنای مواضع رسمی و علنی سیاسی آن احزاب پی ریزی کنند. رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، با کمال تاسف این ابتدایی تری اصول مناسبات حزبی را زیر پا گذاشته است. اطلاعیه رهبری حزب عراق طوری حرف زده است که انگار یکی از کمیته های جانبی انشعابیون حرف میزند.

و در آخر،

اعضا و کادرهای دو حزب تا کنون صمیمانه ترین روابط سیاسی را داشته اند و مطمئنا تا زمانیکه دو حزب، دو بخش یک جنبش هستند، تا زمانیکه مبانی کمونیسم کارگری خط حاکم بر سیاستهای دو حزب است، این علاقه متقابل سیاسی در میان اعضا و کادرهای دو حزب بر سر جایش باقی خواهد ماند. با یک اطلاعیه غیر مسئولانه، نباید کوچکترین خللی بر این روابط متقابل سیاسی و انسانی و صمیمانه اعضا و کادرهای دو حزب وارد شود.